

Cultural Rights of Children and Adolescents in the Criminal Proceedings of Vandalism Cases with an Emphasis on the Judicial Practice of Tehran Courts

Vahid Nekounam^{1*}, Saeideh Fakhri²

1. Associate Professor, Faculty of Theology and Law, Hazrat-e Masoumeh University, Qom, Iran.
(Corresponding Author) Email:vahid.nekounam@gmail.com

2. Master's degree student in juvenile criminal law, Department of Law, Faculty of Theology and Law, Hazrat-e Masoumeh University, Qom, Iran. Email: saeedehfakhri@gmail.com

Abstract

Vandalism, in addition to its conventional criminal dimensions, has always been a matter of concern for legal systems due to its infringement upon cultural heritage, public and private property, and the foundations of collective life. In dealing with children and adolescents who commit this crime, the criminal justice approach must be designed with full consideration of their “cultural rights,” including the right to opportunities for resocialization, rehabilitation, reform, and the preservation of their inherent dignity. This study, employing a descriptive-analytical method and with an emphasis on the judicial practice of Tehran courts, explores the application of juvenile procedural rules in cases related to vandalism. The findings reveal that although courts seemingly consider factors such as intellectual maturity and family circumstances, in practice, the absence of a clear framework for protecting their cultural rights—such as access to cultural-educational programs as alternatives to imprisonment or restitution—has hindered the full realization of the rehabilitative and corrective objectives of the law. Drawing upon jurisprudential foundations and child-protective legal principles, this article highlights the necessity of formulating “differential criminal policies for children and adolescents” in judicial processes, with an emphasis on cultural and educational policymaking. It proposes practical solutions for institutionalizing the protection of the cultural rights of children and adolescents in vandalism cases.

Keywords: Cultural Rights of Children and Adolescents, Vandalism, Differential Criminal Procedure, Cultural Policymaking, Legal Culture.

حقوق فرهنگی اطفال و نوجوانان در فرآیند دادرسی جرم تخریب با تأکید بر رویه قضایی دادگاه‌های تهران

وحید نکونام^{۱*}، سعیده فخری^۲

۱. دانشیار، گروه حقوق، دانشکده الهیات و حقوق، دانشگاه حضرت معصومه (علیها السلام)، قم، ایران. (نویسنده مسئول).

رایانامه: vahid.nekoonam@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان، گروه حقوق، دانشکده الهیات و حقوق، دانشگاه حضرت

معصومه (علیها السلام)، قم، ایران. رایانامه: saeedehfaxri@gmail.com

چکیده

جرم تخریب، علاوه بر ابعاد کیفری متعارف، به دلیل تعرض به میراث فرهنگی، اموال عمومی و خصوصی و بسترهای حیات جمعی، همواره مورد توجه نظام‌های حقوقی بوده است. در مواجهه با اطفال و نوجوانان مرتکب این جرم، رویکرد عدالت کیفری می‌بایست با ملاحظه کامل «حقوق فرهنگی» این گروه، از جمله حق برخورداری از فرصت بازاجتماعی شدن، اصلاح و تربیت‌پذیری، و حفظ کرامت ذاتی آنان طراحی گردد. از این رو، پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با تأکید بر رویه قضایی دادگاه‌های تهران، به واکاوی نحوه اعمال مقررات دادرسی اطفال و نوجوانان در پرونده‌های مرتبط با جرم تخریب می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد اگرچه دادگاه‌ها به‌ظاهر به عوامل رشد عقلی و شرایط خانوادگی اطفال توجه دارند، اما در عمل، فقدان چارچوبی مشخص برای حمایت از حقوق فرهنگی آنان مانند دسترسی به برنامه‌های فرهنگی تربیتی جایگزین حبس یا جبران خسارت موجب شده است تا اهداف تربیتی و اصلاحی قوانین به‌طور کامل محقق نشود. این مقاله با استناد به مبانی فقهی و اصول حقوقی حامی کودک، ضرورت تدوین «سیاست‌های جنایی افتراقی اطفال و نوجوانان» در فرآیند دادرسی با تکیه بر سیاست‌گذاری فرهنگی و تربیتی را مورد تأکید قرار داده و راهکارهای عملی برای نهادینه کردن حمایت از حقوق فرهنگی اطفال و نوجوانان در پرونده‌های تخریب پیشنهاد می‌نماید.

واژگان کلیدی: حقوق فرهنگی اطفال و نوجوانان، جرم تخریب، دادرسی افتراقی، سیاست‌گذاری فرهنگی، فرهنگ حقوقی.

ارجاع به مقاله: نکونام، وحید و فخری، سعیده. (۱۴۰۴). حقوق فرهنگی اطفال و نوجوانان در فرآیند دادرسی جرم تخریب با تأکید بر رویه قضایی دادگاه‌های تهران. مطالعات فقه و حقوق فرهنگی، ۲(۲)، ۱۲۶ - ۱۴۲.

Doi: 10.22034/cjls.2025.2069879.1061

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۲

مقدمه

در سال‌های اخیر، افزایش برخی آسیب‌های اجتماعی در میان کودکان و نوجوانان، از جمله ارتکاب رفتارهایی چون تخریب اموال عمومی و خصوصی، توجه نهادهای عدالت کیفری را بیش از پیش به وضعیت این گروه سنی جلب کرده است. هرچند این دسته از رفتارها از منظر کیفری قابلیت پیگیری دارند، اما در فرآیند دادرسی باید متناسب با سن، شرایط فرهنگی و ویژگی‌های اجتماعی متهم مورد ارزیابی و رسیدگی قرار گیرند. در این میان، حقوق فرهنگی اطفال و نوجوانان، به‌عنوان بخشی از حقوق بشری ایشان، نقشی اساسی در تضمین دادرسی منصفانه، انسانی و متناسب ایفا می‌کند. بررسی چگونگی رعایت این حقوق، به‌ویژه در پرونده‌های مربوط به جرم تخریب و با تمرکز بر رویه دادگاه‌های تهران، می‌تواند به شناسایی چالش‌ها و ظرفیت‌های موجود در نظام قضایی یاری رساند.

تخریب^۱ اموال و اتلاف عمدی از جمله پدیده‌های مجرمانه‌ای است که منجر به نقض حقوق مالکانه اشخاص می‌شود. در نظام حقوقی ما، آسیب رساندن به اموال متعلق به دیگری نه تنها مسئولیت مدنی و کیفری مرتکب را در پی دارد، بلکه پایه‌های نظام اقتصادی جامعه را

۱. جرم تخریب در حقوق ایران تعریف مشخصی ندارد و قانون‌گذار صرفاً به ذکر مصادیق آن اکتفا کرده است. علی‌رغم تأکید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر مصون بودن جان، مال و اشخاص از تعرض (الف) و محترم بودن مالکیت شخصی (ب) و این‌که مالکیت شخصی که با اصول دیگر در این فصل مخالفت نداشته باشد، محترم است و موجبات رشد و توسعه اقتصادی کشور را فراهم می‌کند (ج)، در قوانین ایران و از جمله در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، تعریفی از جرم تخریب ارائه نشده و تنها به ذکر مصادیقی از آن بسنده شده است. این مصادیق در فصول نهم و بیست و پنجم قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ و فصل دوم قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب سال ۱۳۸۲ یافت می‌شود. (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۰، ص ۵۱۹)

الف) مطابق اصل بیست و دوم، «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»

ب) به‌موجب اصل چهل و هفتم، «مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است.» ضوابط آن را قانون معین می‌کند.

ج) اصل چهل و چهارم نیز تأکید بر این دارد که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار است. مالکیت در این سه بخش تاجایی که با اصول دیگر این فصل مطابقت داشته باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد، محترم و مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.

نیز متزلزل می‌سازد. در نتیجه، جامعه ناگزیر بخش قابل توجهی از درآمدهای خود را صرف پیشگیری از وقوع جرم، مبارزه با آن، تعقیب کیفری و اعمال مجازات علیه این دسته از مجرمان می‌نماید. (فرید، ۱۳۹۴، ص ۱۵) جرم تخریب، به‌عنوان یکی از بارزترین مصادیق جرائم علیه اموال، صرفاً در بعد کیفری قابل بررسی نیست، بلکه در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی نیز اهمیت دارد. از منظر حقوقی، تخریب به معنای وارد آوردن عمدی خسارت به مال دیگری است؛ خواه این خسارت منجر به تلف کامل مال گردد یا تنها موجب کاهش ارزش یا کارایی آن شود. (نظری، ۱۴۰۲، ص ۲۰) اهمیت این جرم در مقایسه با سایر جرائم مالی، به دلیل ماهیت عینی، آثار روانی بر جامعه و نیز شیوع آن در میان نوجوانان شهرنشین، دوچندان است. مطالعات میدانی و یافته‌های آماری حاکی از آن‌اند که جرم تخریب عمدتاً توسط نوجوانان و جوانان پسر در مناطق شهری ارتکاب می‌یابد؛ درحالی‌که در جوامع روستایی، میزان شیوع آن بسیار پایین‌تر است. به نظر می‌رسد این تفاوت را می‌توان ناشی از عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دانست؛ چراکه زندگی شهری با فشارهای روانی بیشتر، روابط پیچیده‌تر اجتماعی و محدودیت‌های خاص همراه است که زمینه‌ساز بروز چنین رفتارهایی می‌شود. (بشری، ۱۳۹۴، ص ۱۹۶) از منظر جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، انگیزه‌های ارتکاب جرم تخریب در میان نوجوانان اغلب در قالب واکنش‌های اعتراضی، عصیان‌گرایی یا انتقام‌جویانه نسبت به بزرگسالان و هنجارهای اجتماعی نمود می‌یابد. به‌عبارت‌دیگر، این رفتار می‌تواند بازتابی از شخصیت نوجوانی باشد که در فرآیند تربیت و اجتماعی‌شدن با ناکامی‌ها، تضادها یا کمبودهای جدی مواجه بوده است. همچنین، ویژگی‌های هیجانی این گروه سنی، سبب می‌شود که ارتکاب این جرم عمدتاً در قالب فعالیت‌های گروهی صورت گیرد؛ چراکه احساس همبستگی، هیجان جمعی و گریز از نظارت خانواده یا مدرسه، بستر مناسبی برای چنین کنش‌هایی فراهم می‌آورد. (نجفی‌توانا، ۱۳۹۸، ص ۳۶) با توجه به آنچه بیان شد، روشن می‌شود که جرم تخریب، به‌ویژه زمانی که توسط اطفال و نوجوانان ارتکاب می‌یابد، صرفاً یک رفتار مجرمانه ساده و محدود به مقررات کیفری نیست؛ بلکه پدیده‌ای چندلایه با ریشه‌های عمیق فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی است. پرونده‌های مطرح در دادگاه‌های تهران نیز نشان می‌دهند که عواملی چون شرایط خاص زیست شهری، تراکم جمعیت، فشارهای اقتصادی و اجتماعی، ضعف نهادهای تربیتی و آموزشی و کاهش نقش خانواده، همگی در بروز این جرم نقش دارند. ازاین‌رو، تحلیل مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در قبال جرم

تخریب، زمانی می‌تواند جامع و اثربخش باشد که علاوه بر ابعاد قانونی و جزایی، جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناختی آن نیز به‌طور جدی مدنظر قرار گیرد. چنین رویکردی که نگاهی میان‌رشته‌ای به مسئله دارد، می‌تواند در پرتو مطالعات مربوط به حقوق فرهنگی، راه را برای ارائه راهکارهای پیشگیرانه و اصلاح‌گرایانه هموار سازد.

۱. پیشینه و مبانی نظری پژوهش

در زمینه تخریب به‌عنوان یکی از معضلات اجتماعی، تحقیقات و مطالعات متعددی انجام شده است. وندالیسم^۱ نیز به‌عنوان یکی از اشکال بارز تخریب، در پژوهش‌های گوناگون مورد توجه محققان قرار گرفته است که به برخی از آن‌ها در جدول شماره ۱ اشاره می‌شود.

جدول ۱ پیشینه پژوهش

ردیف	موضوع منبع	نویسنده و منبع چاپ	یافته‌های تحقیقاتی
۱	جامعه‌شناختی وندالیسم در شهر خرم‌آباد (مورد مطالعه جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله)	به قلم خسروی، صبوری خسروشاهی، کفاشی چاپ‌شده در ماهنامه جامعه‌شناختی سیاسی ایران سال ۱۴۰۱	بین متغیرهای سرمایه اقتصادی و سرمایه فرهنگی با رفتار تخریب اموال عمومی رابطه‌ای معکوس وجود دارد. همچنین، بین پیوند اجتماعی، بی‌نظمی اجتماعی، نگرانی اجتماعی و تنوع خرده‌فرهنگی با این رفتار رابطه‌ای مثبت مشاهده شد.
۲	تحلیلی بر کنترل کیفی در مقابله با وندالیسم	به قلم هوشیاری، اسماعیلی، کلاتری درون‌کلا چاپ‌شده در پژوهشنامه حقوق کیفری سال ۱۴۰۰	پیشگیری وضعی و اجتماعی، گسترش اختیارات میانجی‌گری پلیس، تشکیل شورای هماهنگی با مشارکت آموزش و پرورش، شهرداری، بهزیستی و صداوسیما در راستای آموزش درباره اموال عمومی و همچنین شناسایی کودکان دارای اختلالات رفتاری می‌تواند راهکاری مؤثر برای مقابله با وندالیسم باشد.

ردیف	موضوع منبع	نویسنده و منبع چاپ	یافته‌های تحقیقاتی
۳	فرا تحلیل عوامل مؤثر بر وندالیسم در ایران	به قلم نیازی و همکاران چاپ شده در فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی سال ۱۳۹۹	هفت عامل در مطالعات متعدد شناسایی شده و اندازه اثر هر یک در ارتباط با وندالیسم مشخص گردید. این عوامل عبارت‌اند از: پایگاه اقتصادی - اجتماعی، ارتباط با افراد بزهکار، تعلق به خانواده، تعلق به مدرسه، محرومیت نسبی، انزوای اجتماعی و بی‌هنجاری
۴	بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به رفتار تخریب‌گرایی در بین نوجوانان شهر مشهد	به قلم صفوی مقدم و نوغانی چاپ شده در چهارمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری ۱۳۹۱	نوجوانانی که گرایش به رفتار تخریبی دارند، از نظر جنسیت، الگوی گذران اوقات فراغت و میزان هم‌نوایی با همسالان با سایر نوجوانان تفاوت دارند.

مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در نظام عدالت کیفری ایران، بر پایه اصول و مبانی متفاوتی از بزرگسالان استوار است. این تمایز بر پایه «صلاحیت اخلاقی»^۱ و «قابلیت انتساب»^۲ استوار است. نظریه‌های مدرن جرم‌شناسی نیز با تأکید بر عامل رشد بر این باورند که بزهکاری نوجوانان اغلب بازتابی از فرآیند ناقص اجتماعی شدن، تجربه محرومیت یا نقص در کنترل اجتماعی است نه نتیجه انتخاب کاملاً عقلانی و آگاهانه. (بشری، ۱۳۹۴، ص ۷۸)

وندالیسم به‌عنوان مصداق بارز جرم تخریب، پدیده‌ای چندعلتی است که توسط نظریه‌های مختلفی تبیین شده است. در میان این نظریه‌ها، نظریه بی‌سازمانی اجتماعی^۳ اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا تأکید می‌کند محیط‌های فیزیکی و اجتماعی فرد نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری رفتارهای او دارند. این نظریه بیان می‌دارد که در شرایطی که فرد در معرض جرم یا خشونت قرار گیرد، احتمال مشارکت او در رفتارهای مجرمانه افزایش می‌یابد. بی‌سازمانی اجتماعی به وضعیتی اشاره دارد که در آن مقررات و ساختارهای هدایت‌کننده رفتار افراد دچار ضعف یا

1. Moral Agency
2. Attribution capability
3. Social Disorganization Theory

ناکامی شده‌اند و شامل سه نوع عمده ستیز فرهنگی، آنومی و اختلال است. ستیز فرهنگی زمانی شکل می‌گیرد که مقررات حاکم بر رفتار افراد تفاوت پیدا کرده و گروهی از کنشگران به مجموعه‌ای از قواعد پایبند باشند، درحالی‌که از دیگر قواعد نظام‌مند سرپیچی کنند. آنومی حالتی است که در آن مقرراتی که رفتار افراد را تعیین می‌کردند از بین رفته یا تضعیف شده‌اند و افراد در برابر رفتارها و ارزش‌های اجتماعی دچار سردرگمی می‌شوند. اختلال نیز زمانی پدید می‌آید که قواعد موجود هماهنگی لازم با ارزش‌ها نداشته یا موجب تنبیه شوند. (نیازی و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۷۵) و نندالیسم می‌تواند محصول ضعف یا فروپاشی نهادهای اجتماعی سنتی مانند خانواده، مدرسه و محله و نتیجه فقدان کنترل اجتماعی غیررسمی باشد. در چنین شرایطی، هنجارها تضعیف شده و بستر مناسبی برای بروز رفتارهای انحرافی و نابهنجار فراهم می‌شود، زیرا نبود ساختار و مقررات منسجم موجب کاهش پایبندی افراد به قواعد اجتماعی و افزایش تمایل به تخریب و بی‌نظمی می‌گردد. (خسروی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۱۹۵) این واقعیت نشان می‌دهد که نندالیسم صرفاً یک رفتار فردی یا تخریب ساده نیست، بلکه نتیجه یک فرآیند پیچیده اجتماعی است که ریشه در ضعف ساختارها و نهادهای کنترل‌کننده دارد. از این رو، شناخت دقیق عوامل ساختاری و اجتماعی که به بی‌سازمانی منجر می‌شوند، برای طراحی راهبردهای پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی از اهمیت حیاتی برخوردار است. این شناخت می‌تواند به ایجاد برنامه‌های مؤثر اجتماعی، تقویت نهادهای مدنی و ارتقای انسجام اجتماعی کمک کند تا شرایطی فراهم شود که از گسترش رفتارهای نابهنجار جلوگیری گردد.

در هر جامعه‌ای، اهداف و ارزش‌ها به‌عنوان آرمان‌های مطلوب تعریف می‌شوند و مسیرها و شیوه‌های قانونی و مشروع برای دستیابی به این اهداف نیز مشخص می‌گردد. این ساختار، پایه نظم اجتماعی و همبستگی فرهنگی را تشکیل می‌دهد. با این حال، زمانی که میان اهداف فرهنگی یک جامعه و امکانات یا راه‌های اجتماعی دستیابی به آن اهداف عدم تعادل وجود داشته باشد، یعنی بخشی از افراد جامعه نتوانند از طریق روش‌های قانونی و پذیرفته‌شده به این اهداف دست یابند، یک شکاف ساختاری ایجاد می‌شود. این شکاف، از نظر جامعه‌شناسی، زمینه‌ساز بروز رفتارهای نابهنجار و ارتکاب جرم است. (بیات و لطفعلی‌زاده، ۱۴۰۲، ص ۱۵۳) رابرت مرتون جامعه‌شناس آمریکایی، این پدیده را در قالب «نظریه فشار»^۱ توضیح داده است. مرتون معتقد است که فشار ناشی از شکاف میان اهداف فرهنگی مورد تأکید جامعه، مانند موفقیت مالی،

جایگاه اجتماعی یا کسب منزلت و وسایل مشروع دستیابی به آن‌ها، افراد را وادار می‌کند که به شیوه‌های جایگزین و گاه غیرقانونی روی آورند. این شیوه‌های جایگزین، پاسخی به ناکامی و محرومیت ساختاری هستند. وندالیسم نمونه‌ای عینی از چنین پاسخی است. هنگامی که نوجوانان یا گروه‌های محروم جامعه، به اهداف تعریف‌شده فرهنگی دسترسی قانونی و مشروع نداشته باشند، ممکن است تحت فشار اجتماعی و روانی، برای رهایی از احساس ناکامی و محرومیت، به رفتارهای نابهنجار و تخریب‌گرانه مانند وندالیسم روی آورند. این رفتارها نه تنها شکاف اجتماعی را نشان می‌دهند، بلکه واکنشی مستقیم به فقدان فرصت‌های برابر در دستیابی به اهداف جامعه محسوب می‌شوند. (نیازی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۸۵) از این منظر، وندالیسم تنها یک رفتار تخریب‌گرانه نیست، بلکه نمود اجتماعی ناکامی ساختاری است؛ ناکامی‌ای که ریشه در نابرابری در دسترسی به امکانات قانونی و مشروع جامعه دارد. تحلیل چنین پدیده‌ای، ضمن تأکید بر اهمیت ایجاد فرصت‌های برابر، به فهم عمیق‌تر رابطه میان ساختارهای فرهنگی، فشار اجتماعی و بروز رفتارهای نابهنجار کمک می‌کند.

نظریه دیگری که قابل تبیین در این بحث می‌باشد نظریه برچسب‌زنی^۱ است. این نظریه هشدار می‌دهد که واکنش رسمی شدید نظام کیفری (مانند مجازات سنگین و زندان) می‌تواند با دامن زدن به هویت در نوجوان، باعث تثبیت و تکرار رفتار مجرمانه شود. از این منظر، انحراف از مسیر دادرسی رسمی و ورود به رویکرد عدالت ترمیمی^۲ مبتنی بر جلوگیری از برچسب‌خوری و تسهیل بازگشت نوجوان به جامعه حیاتی هستند.

۲. روش تحقیق

این پژوهش از نوع کیفی - توصیفی است و داده‌های آن به روش کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده است. برای این منظور ابتدا کتاب‌ها، مقالات علمی، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های مرتبط با موضوع بررسی شد تا مبانی نظری و پیشینه تحقیق مشخص شود. سپس برای تکمیل اطلاعات، تعدادی از پرونده‌های مربوط به تخریب و وندالیسم مورد مطالعه قرار گرفت. اطلاعات به دست آمده از این منابع ثبت و فیش‌برداری شد و در ادامه با روش تحلیل محتوای کیفی بررسی گردید. در این مرحله تلاش شد داده‌ها دسته‌بندی و تفسیر شوند تا عوامل و شرایط مؤثر بر بروز رفتارهای تخریبی روشن‌تر شود.

1. Labeling Theory
2. Restorative justice

در این پژوهش، تمرکز بر بررسی نحوه رسیدگی دادگاه‌های اطفال در تهران به پرونده‌های مربوط به جرم تخریب اموال توسط اطفال و نوجوانان است. داده‌های پژوهش از طریق مطالعه میدانی و تحلیل محتوای تعدادی از آراء قضایی صادره از شعب دادگاه اطفال در شهر تهران گردآوری شده است. هدف اصلی از این بررسی، شناسایی الگوهای موجود در برخورد قضایی با اطفال و نوجوانانی است که متهم به تخریب اموال (اعم از عمومی و خصوصی) شده‌اند. در این راستا، نوع اموال مورد تخریب، سن متهمان، شرایط خانوادگی و اجتماعی آن‌ها و همچنین شیوه‌های واکنش قضایی از جمله نوع مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی مورد تحلیل قرار گرفته است. این یافته‌ها تلاش دارند تا نشان دهند که در عمل، رویه دادگاه‌ها تا چه میزان با ملاحظات حمایتی، فرهنگی و تربیتی در مواجهه با بزهکاری اطفال همسوست و چه چالش‌هایی در این مسیر وجود دارد

۳. تخریب اموال خصوصی توسط اطفال و نوجوانان

یکی از عوامل مهم در تخریب اموال خصوصی توسط اطفال و نوجوانان، رفتارهای خشونت‌آمیز است. خشونت طیف وسیعی از رفتارها را شامل می‌شود که از تحقیر، تهدید و فحاشی آغاز شده و می‌تواند تا ضرب و جرح، تخریب اموال و حتی قتل نیز ادامه یابد. (صالح و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۲۰۶) در شرایطی که خشونت در جامعه گسترش می‌یابد، میزان مدارای اجتماعی و تفاهم انسانی کاهش یافته و به تدریج زمینه شکل‌گیری گرایش به خشونت و رفتارهای پرخاشگرانه در میان گروه‌های سنی پایین‌تر، به ویژه در دوره‌های رشد شخصیتی و اجتماعی، فراهم می‌شود. گسترش آسیب‌های اجتماعی، خصوصاً زمانی که نوجوانان و جوانان را درگیر سازد، از ابعاد مختلف زیان‌های جدی به جامعه وارد می‌کند. دلیل این امر آن است که نوجوانان و جوانان، به‌عنوان سرمایه‌های مادی و معنوی جامعه، نقش تعیین‌کننده‌ای در تضمین سلامت، پویایی و دوام جامعه دارند. (ایار و افرا، ۱۴۰۰، ص ۵۷) هنگامی که این گروه سنی به سمت رفتارهای خشونت‌آمیز و تخریب اموال گرایش یابند، نه تنها سلامت فردی آن‌ها تهدید می‌شود، بلکه روابط اجتماعی و خانوادگی نیز دچار تنش و تعارض خواهد شد. از منظر اجتماعی، خشونت جوانان موضوعی است که توجه ویژه‌ای را می‌طلبد. چراکه هم دولت‌ها ناگزیرند وقت و هزینه قابل توجهی برای مقابله و پیشگیری از آن صرف کنند و هم شناسایی عواملی که نوجوانان را در معرض خطر ارتکاب یا قربانی شدن در رفتارهای خشونت‌آمیز قرار

می‌دهد، اهمیت بسیاری دارد. (حضرتی صومعه و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۴) یکی از نمودهای بارز این خشونت، تخریب اموال خصوصی است که علاوه بر خسارات مالی، پیامدهای روانی و اجتماعی برای خانواده‌ها و همسایگان نیز به همراه دارد. بر همین اساس، بررسی موضوع تخریب اموال خصوصی توسط اطفال و نوجوانان تنها از جنبه اجتماعی و روان‌شناختی کافی نیست؛ بلکه ضروری است این مسئله را از منظر حقوقی و قضایی نیز مورد توجه قرار دهیم. حال نسبت به این امر رأی قضایی زیر را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در پرونده‌ای با شماره دادنامه ۱۴۰۲۶۸۳۹۰۰۰۷۴۱۸۲۱۶، متهم نوجوانی به نام «ع - ذ» به سن ۱۶ سال، به اتهام تخریب عمدی شیشه خودرو با خسارت کمتر از ده میلیون تومان و همچنین مباشرت در ایراد صدمه بدنی به وسیله چاقو تحت تعقیب قرار گرفت. دادگاه با توجه به گزارش مرجع انتظامی، شکایت شاکی خصوصی و محتویات پرونده، هرچند عدم حضور متهم و ولی قانونی وی در جریان رسیدگی و عدم استماع اظهارات آنان ملاحظه گردید، اما ارتکاب رفتار معارض با قانون از سوی متهم محرز شناخته شد. در خصوص بزه تخریب عمدی شیشه عقب خودرو که میزان خسارت وارده کمتر از ده میلیون تومان برآورد گردید، دادگاه با استناد به بند «ث» ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات ۱۳۷۵)، متهم را به پرداخت مبلغ سه میلیون ریال جزای نقدی در حق صندوق دولت محکوم نمود. رأی صادره در این پرونده نشان‌دهنده آن است که نظام عدالت کیفری ایران، به‌ویژه در قبال اطفال و نوجوانان، بیش از آنکه بر اعمال مجازات سخت و سنگین تأکید نماید، درصدد است با بهره‌گیری از تدابیر خفیف‌تر و جایگزین، ضمن تأمین جنبه‌های بازدارنده، راهی برای اصلاح و بازپروری مرتکب فراهم سازد. چنین رویکردی ریشه در سیاست کیفری نوین دارد که از مجازات به معنای سنتی و صرف تبییه فاصله گرفته و بر ابعاد اصلاحی و تربیتی تمرکز یافته است. در همین راستا، ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به‌طور اختصاصی در خصوص اطفال و نوجوانان پیش‌بینی‌های دقیقی انجام داده و اختیار گسترده‌ای به قاضی اعطا کرده است تا متناسب با سن، شخصیت و شرایط اجتماعی مرتکب، تصمیمی اتخاذ کند که نه تنها آثار زیان‌بار بزه را جبران نماید، بلکه مانع تکرار جرم در آینده گردد. در جریان رسیدگی به این پرونده، هرچند رفتار متهم مشتمل بر دو بزه مهم، یعنی تخریب اموال خصوصی و ایراد صدمه بدنی با چاقو بوده است، اما دادگاه تنها نسبت به تخریب خودرو رأی صادر کرده و آن را مستوجب جزای نقدی سبک دانسته است. این محدود

شدن حکم به جزای نقدی اندک، نشان‌دهنده چند نکته اساسی است: نخست اینکه خسارت وارده به لحاظ ارزش اقتصادی چندان بالا نبوده و به همین دلیل جنبه کیفری آن نیز شدید ارزیابی نشده است. در این پرونده، دادگاه با استناد به ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی، تلاش کرده است با توجه به سن مرتکب، از صدور مجازات سنگین خودداری کرده و از ظرفیت‌های قانونی برای اعمال مجازات خفیف‌تر بهره ببرد. هرچند چنین رویکردی در ظاهر با سیاست جنایی افتراقی در قبال اطفال و نوجوانان همسو است، اما باید توجه داشت که استفاده صرف از مجازات نقدی، به‌ویژه در غیاب سایر اقدامات تکمیلی و حمایتی، نمی‌تواند اهداف اصلاحی موردنظر قانون‌گذار را به‌طور کامل محقق سازد. قاضی در چارچوب اختیارات قانونی تصمیم‌گیری کرده، اما این تصمیم زمانی مؤثرتر خواهد بود که با ابزارهای تربیتی و بازپرورانه همراه شود.

از منظر جرم‌شناسی، رفتار ارتكابی متهم به‌خوبی بیانگر رابطه مستقیم میان خشونت و تخریب اموال است. بسیاری از جرائم نوجوانان در بستر نزاع‌های لحظه‌ای و هیجانی شکل می‌گیرد؛ نزاع‌هایی که در غیاب مهارت‌های لازم برای کنترل خشم و حل تعارض به‌صورت مسالمت‌آمیز، به خشونت فیزیکی و تخریب اموال منتهی می‌شود. در این پرونده نیز، استفاده از چاقو در جریان درگیری و شکستن شیشه خودرو، نمونه‌ای عینی از رفتارهای پرخطر و غیرعقلانی نوجوانی است که هنوز به سطح بلوغ اجتماعی و هیجانی کافی دست نیافته است. چنین اقداماتی علاوه بر آنکه خسارات مالی و روانی مستقیم بر بزه‌دیده و جامعه وارد می‌سازد، زمینه‌ساز شکل‌گیری هویت بزهکارانه در نوجوان می‌شود. استمرار این روند می‌تواند نوجوان را وارد چرخه‌ای از بزهکاری مکرر نماید که خروج از آن دشوار و هزینه‌زا خواهد بود.

از منظر حقوقی و جرم‌شناختی، این پرسش مطرح است که آیا جزای نقدی به‌تنهایی می‌تواند نقش اصلاحی و بازدارنده لازم را ایفا کند؟ شواهد و تجربیات موجود نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، چنین مجازات‌هایی، به‌ویژه برای افراد کم‌سن، فاقد اثرگذاری مستقیم است؛ چراکه معمولاً مسئولیت مالی آن بر عهده والدین قرار می‌گیرد و نوجوان، عملاً با پیامد واقعی رفتارش مواجه نمی‌شود. در نتیجه، برای اثربخشی بیشتر، لازم است این‌گونه احکام با تدابیر تکمیلی مانند خدمات عمومی، مشاوره، یا دوره‌های آموزشی همراه گردد تا هم بازدارندگی لازم ایجاد شود و هم فرآیند اصلاح و بازسازی شخصیت مرتکب تسهیل شود. چراکه تجربه نشان داده مجازات‌های مالی سبک، به‌ویژه در مورد نوجوانان، اغلب توسط

والدین پرداخت می‌شود و شخص مرتکب عملاً با تبعات واقعی عمل خویش مواجه نمی‌شود. چنین وضعیتی می‌تواند پیامد معکوس داشته و نوجوان را در این باور تقویت کند که ارتکاب رفتارهای پرخطر هزینه چندانی ندارد. از همین رو، آنچه در سیاست جنایی افتراقی نسبت به اطفال و نوجوانان اهمیت دارد، تلفیق مجازات‌های مالی سبک با تدابیر تکمیلی و اصلاحی است. تدابیری مانند الزام به مشاوره روان‌شناختی، شرکت در دوره‌های آموزشی مهارت‌های زندگی و کنترل خشم، یا حتی خدمات عمومی رایگان در راستای جبران خسارت اجتماعی، می‌تواند در کنار حکم جزای نقدی به کار گرفته شود تا هم بُعد تأدیبی و هم بُعد اصلاحی و بازدارنده تحقق یابد.

نتیجه آنکه، رأی صادره درعین حال که با موازین قانونی و با اصول حمایتی در قبال نوجوانان هم‌خوانی دارد، بازتاب‌دهنده چالش اصلی نظام عدالت کیفری در قبال این قشر آسیب‌پذیر است: ایجاد توازنی میان ضرورت حمایت از جامعه و حفظ امنیت عمومی از یک‌سو و ضرورت حمایت از نوجوان بزهکار و فراهم‌سازی زمینه بازگشت سالم او به جامعه از سوی دیگر. اگر این توازن به درستی برقرار نشود، نه تنها کارکرد اصلاحی نظام عدالت کیفری محقق نمی‌شود، بلکه احتمال تکرار جرم و گسترش خشونت نوجوانان نیز افزایش خواهد یافت؛ بنابراین توجه به جنبه‌های اصلاحی و پیشگیرانه در کنار پاسخ کیفری، ضرورتی انکارناپذیر در سیاست جنایی معاصر محسوب می‌شود.

۴. تخریب اموال عمومی توسط اطفال و نوجوانان

وندالیسم در طبقه‌بندی انواع جرائم، غالباً به‌عنوان جنایتی خرد و یکی از اشکال رایج بزهکاری نوجوانان شناخته می‌شود. این پدیده بیشتر به تخریب‌های اجتماعی اطلاق می‌گردد که در آن فرد یا گروهی از افراد به خرابکاری در اموال و فضاهای عمومی می‌پردازند. به‌طور معمول، وقتی واژه «خرابکاری» به کار می‌رود، مقصود تخریب دارایی‌های عمومی و متعلق به جامعه است، نه صدمات فردی یا خودتخریبی. (نواح و کوپایی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۲) وندالیسم به‌عنوان تخریب اموال عمومی، پدیده‌ای مدرن و نوظهور است که تنها در نیم قرن اخیر به‌صورت یک معضل اجتماعی مطرح شده است. (بخارایی و شربتیان، ۱۳۹۴، ص ۲۱) این رفتار به‌ویژه در جوامع شهری خسارت‌های قابل توجهی به مدیریت شهری وارد می‌کند، چراکه نگهداری از مبلمان و تجهیزات عمومی را دشوار می‌سازد و از سوی دیگر، شهروندان را از دسترسی به

امکانات و خدمات شهری محروم می‌کند. (هوشیاری و همکاران، ۱۴۰۰، ب، ص ۲۸۳) همچنین تحقیقات نشان داده است که وندالیسم یکی از شایع‌ترین اشکال بزهکاری در میان نوجوانان و جوانان به شمار می‌رود. (اسلامی و همکاران، ۱۴۰۳، ص ۱۷۴) از منظر روان‌شناختی، این پدیده ریشه در عوامل روانی و تربیتی دارد. جامعه‌شناسان نیز وندالیسم را نوعی ناهنجاری اجتماعی می‌دانند که می‌تواند ناشی از شکاف طبقاتی و گسست‌های اجتماعی باشد. (منجم و همکاران، ۱۴۰۲، ص ۱۳۳۸) در متون آسیب‌شناسی اجتماعی، این رفتار بارها به معنای روحیه بیمارگونه‌ای توصیف شده که نشان‌دهنده تمایل آگاهانه و ارادی به تخریب اموال و متعلقات عمومی است. (سامانیان، ۱۳۹۰، ص ۳) در تبیین نظری، رفتارهای انحرافی ارتباط مستقیمی با ساختار و فرهنگ جامعه دارند. از دیدگاه دورکیم، مفهوم آنومی یا بی‌هنجاری اجتماعی در دو سطح فردی و اجتماعی معنا پیدا می‌کند: در سطح فردی به معنای نابسامانی روانی و گسست فرد از معیارهای اجتماعی است و در سطح اجتماعی بیانگر اختلال و آشفتگی در نظام اجتماعی است که فرد را به رفتارهای ضداجتماعی سوق می‌دهد. (کردکیمی و روشنایی، ۱۳۹۵، ص ۵۸) پژوهشگران آسیب‌های اجتماعی دریافته‌اند که شرایط و محیط اجتماعی افراد در شکل‌گیری شخصیت و ندادها نقشی تعیین‌کننده دارد و ریشه‌های آن را می‌توان در محیط خانواده جست‌وجو کرد. در این زمینه، دو دیدگاه متفاوت ارائه شده است. دیدگاه نخست بر این باور است که وندالیسم معمولاً در خانواده‌های غیرمنضبطی شکل می‌گیرد که والدین آن‌ها دچار سردرگمی، تردید و عدم اطمینان نسبت به ارزش‌ها و فلسفه اجتماعی خویش هستند. در نتیجه، نوجوانان چنین خانواده‌هایی احساس درماندگی و اجحاف را با رفتارهای پرخاشگرانه علیه نسل بزرگ‌تر و نهادهای اجتماعی ابراز می‌کنند. (یعقوبی و محمدی‌فناغستانی، ۱۴۰۳، ص ۳) دیدگاه دوم نیز، وندالیسم را نتیجه گسست میان ارزش‌های تحمیلی نهادهای تربیتی و شرایط واقعی جامعه می‌داند. (موسوی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۴) درنهایت، هرچند نهادهای رسمی و غیررسمی جامعه بر رفتار نوجوان اثرگذارند، اما نقش خانواده همچنان محوری است. خانواده‌های متحد و منسجم، پیوند اجتماعی مستحکم‌تری در فرزندان خود ایجاد می‌کنند و والدینی که در تعارض و کشمکش کمتری هستند، توانایی بیشتری برای هدایت نوجوانان مطابق با هنجارهای اجتماعی خواهند داشت. (پارسامهر و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۸۴) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که وندالیسم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اشکال بزهکاری نوجوانان، ریشه در عوامل روانی، اجتماعی و خانوادگی دارد و برای مقابله با آن، شناخت همه‌جانبه این ابعاد ضروری است. در

ادامه، به بررسی و تحلیل آرای قضایی مرتبط با این موضوع خواهیم پرداخت.

در پرونده‌ای با رأی شماره ۱۴۰۰۶۸۳۹۰۰۰۴۹۵۹۱۴۳، دو نوجوان پانزده‌ساله با نام‌های مستعار «الف ب» و «الف الف» به اتهام تخریب و ایجاد حریق در تأسیسات عمومی بانک شهر، از جمله دستگاه خودپرداز، تحت تعقیب قرار گرفتند. مادر «الف الف» در اظهارات خود بیان کرده است که همسرش پنج سال پیش فوت کرده و سرپرستی فرزند بر عهده اوست و مادر «الف ب» نیز اظهار داشته که دو سال قبل از همسرش جدا شده و حضانت فرزندش با اوست. دادگاه با در نظر گرفتن صغر سن متهمان و اینکه رفتار آنان ناشی از بی‌توجهی و فقدان بلوغ اجتماعی بوده است، همچنین با توجه به اخذ رضایت شاکی و دفاعیات وکیل مبنی بر ضرورت مراقبت و مداخله‌های تربیتی در محیط خانواده، به استناد ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و ماده ۳ پیمان‌نامه حقوق کودک و با تأکید بر اصل مصلحت عالی‌ه کودک رأی به اخطار و تذکر به اولیای قانونی آنان در جهت مراقبت و حمایت مؤثر از فرزندان صادر کرد.

این رأی از منظر حقوقی و جرم‌شناختی اهمیت زیادی دارد. تخریب و آتش‌افروزی در زمره جرائم علیه اموال عمومی قرار می‌گیرد، اما سیاست کیفری ایران در برخورد با اطفال و نوجوانان بر اتخاذ تدابیر حمایتی و تربیتی متمرکز است و قانون‌گذار در ماده ۸۸ به قاضی اختیار داده است که متناسب با سن و شرایط خانوادگی، اقدام جایگزین مجازات را برگزیند. پیمان‌نامه حقوق کودک نیز در ماده ۳ تأکید می‌کند که در تمامی اقدامات مربوط به کودکان، مصلحت عالی‌ه آنان باید در اولویت قرار گیرد. دادگاه در این پرونده با لحاظ صغر سن متهمان، رضایت شاکی و شرایط خانوادگی خاص، تصمیمی اتخاذ کرده که بر مبنای فردی‌سازی و رعایت مصلحت کودک بوده و نمونه‌ای از عدالت‌ترمیمی به شمار می‌آید.

از منظر جرم‌شناختی، بروز چنین رفتاری در سنین پانزده‌سالگی ریشه در عوامل اجتماعی و خانوادگی دارد. یکی از متهمان با فقدان پدر و دیگری با جدایی والدین مواجه بوده است که این وضعیت‌ها به‌طور طبیعی نظارت خانوادگی را کاهش داده و زمینه آسفتگی هیجانی را فراهم می‌سازد. در نظریه‌های کنترل اجتماعی بیان می‌شود هرگاه پیوند نوجوان با خانواده یا مدرسه سست شود، احتمال کج‌روی افزایش می‌یابد و در این پرونده نیز گسست در ساختار خانواده همراه با فشارهای محیطی و نقش گروه همسالان شرایط ارتکاب را تشدید کرده است. نظریه آنومی نیز نشان می‌دهد که شکاف میان انتظارات و فرصت‌های واقعی می‌تواند نوجوان را به سمت رفتارهای وندالیستی سوق دهد.

از منظر روان‌شناختی، نوجوانان در این سن به دلیل ویژگی‌های رشدی، هیجان‌خواهی و تصمیم‌های آنی بیشتری دارند و به همین علت ارزیابی درستی از پیامدهای رفتار خود ندارند. تجارب تلخ مانند فقدان والد یا جدایی خانواده، خشم و احساس بی‌پناهی را در آنان تشدید می‌کند و در صورت نبود مهارت‌های تنظیم هیجان، این وضعیت به رفتارهای برون‌ریزی چون تخریب و آتش‌افروزی منجر می‌شود. در چنین شرایطی مداخلاتی مانند مشاوره فردی برای تقویت مهارت‌های خودکنترلی، آموزش‌های خانواده‌محور برای بهبود نظارت والدین و هدایت نوجوانان به فعالیت‌های سازنده و مهارت‌آموزی می‌تواند مؤثر باشد.

در نتیجه رأی صادره را می‌توان نمونه‌ای از سیاست جنایی افتراقی در قبال اطفال دانست که با پرهیز از مجازات کیفری صرف و تأکید بر تربیت و مراقبت خانوادگی، تلاش کرده است مانع از تکرار بزهکاری شود. این تصمیم با اصول عدالت ترمیمی، کمینه‌گرایی کیفری و مصلحت کودک همسو است و اگر با مداخلات تکمیلی نظیر مشاوره‌های خانوادگی، خدمات عمومی نظارت‌شده و پیگیری مددکاری همراه شود، می‌تواند در کاهش گرایش به وندالیسم و بازگشت نوجوانان به مسیر هنجارهای اجتماعی مؤثر واقع گردد. به همین دلیل، رأی مذکور علاوه بر انطباق با قواعد حقوقی، از منظر جرم‌شناسی و روان‌شناسی نیز تصمیمی صحیح و متناسب بوده و می‌تواند الگویی برای مواجهه قضایی با تخریب اموال عمومی توسط اطفال و نوجوانان محسوب شود.

در پرونده‌ای با دادنامه شماره ۱۴۰۲۲۶۸۳۹۰۰۰۷۹۸۳۲۵۷، متهمی هجده‌ساله با نام مستعار «ر.الف» که تحصیلات او تنها تا پایان کلاس چهارم ابتدایی بوده و شغلش دستفروشی است، تحت تعقیب قرار گرفت. والدین وی از یکدیگر جدا شده‌اند و پدرش در وضعیت نابسامانی به سر می‌برد و کارتن‌خواب است، هرچند روابط او با خانواده در مجموع سازگار گزارش شده است. اتهام منتسب به او تخریب عمدی شیشه ایستگاه بی‌آرتی است. متهم در جریان رسیدگی اذعان داشته که در زمان ارتکاب رفتار ناشی از مصرف قرص بوده و در حالت طبیعی خود قرار نداشته است. دادگاه با توجه به لایحه وکیل مدافع، نظریه مشاور دادگاه، اعلام گذشت شهرداری به‌عنوان شاکی و قابل گذشت بودن جرم ارتكابی و همچنین با لحاظ عدم احراز بیم تجری، مستنداً به مواد ۱۰۰ و ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و بند «ب» ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۸ ناظر به ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی، قرار موقوفی تعقیب صادر و اعلام

می‌نماید. پرونده حاضر نمونه‌ای از تخریب اموال عمومی توسط یک جوان هجده‌ساله است که در مرز میان سنین نوجوانی و ورود به بزرگسالی قرار دارد و به لحاظ شرایط فردی، خانوادگی و اجتماعی، از ابعاد مختلف قابل بررسی است. هرچند جرم ارتكابی یعنی تخریب شیشه ایستگاه بی‌آرتی در زمره جرائم علیه اموال عمومی محسوب می‌شود، اما دادگاه با توجه به اعلام گذشت شهرداری، قابل گذشت بودن موضوع و عدم وجود بیم تجری، تصمیم به صدور قرار موقوفی تعقیب گرفت. این تصمیم بر پایه مقررات مواد ۱۰۰ و ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری اتخاذ شده که نشان‌دهنده رویکرد قانون‌گذار به سمت کاستن از مجازات‌های سالب آزادی و تأکید بر استفاده از ظرفیت گذشت بزه‌دیده در جرائم قابل گذشت است. درعین حال بند «ب» ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری نیز چنین امکانی را به دادگاه داده که در صورت گذشت شاکی و قابل گذشت بودن جرم، قرار موقوفی تعقیب صادر کند؛ بنابراین، از نظر حقوقی، رأی صادره منطبق بر اصول قانونی و سیاست کیفری تقنینی در حوزه تخفیف و کاهش کیفرهای تعزیری است.

ورای جنبه‌های حقوقی، بررسی شرایط فردی و اجتماعی متهم نشان می‌دهد که ریشه‌های این رفتار تخریبی را باید در بافتی گسترده‌تر جست‌وجو کرد. اقداماتی همچون پرتاب سنگ به شیشه‌های قطار، اتوبوس و سایر وسایل عمومی در زمره «وندالیسم خصومت‌گرایانه» قرار می‌گیرند. پیش‌بینی نتایج ناشی از این نوع وندالیسم دشوار و دامنه آن بسیار گسترده است؛ با این حال می‌توان نشانه‌هایی چون خستگی، ملالت، غصب، نومیدی، درماندگی و افسردگی را از پیام‌های اولیه آن دانست. (هاشم‌پور، ۱۴۰۳، ص ۱۸) با توجه به این تحلیل، بررسی سوابق زندگی و شرایط زیستی متهم می‌تواند تصویری روشن‌تر از زمینه‌های بروز چنین رفتاری ارائه دهد. در همین راستا، متهم تنها تا کلاس چهارم ابتدایی تحصیل کرده و ترک تحصیل زودهنگام، او را از بسیاری فرصت‌های اجتماعی و مسیرهای رشد طبیعی محروم ساخته است. اشتغال زودهنگام او به دستفروشی نیز گواه روشنی بر وضعیت اقتصادی و اجتماعی شکننده وی است؛ شرایطی که می‌تواند به تقویت احساس محرومیت نسبی و تضعیف حس تعلق اجتماعی بینجامد. افزون بر این، هرچند در پرونده موجود روابط او با خانواده به‌ظاهر سازگار توصیف شده است، اما والدین وی از یکدیگر جدا شده‌اند و پدرش به‌عنوان فردی کارتن‌خواب در شرایط کاملاً نابسامان به سر می‌برد. چنین وضعیتی، هرچند مانع ارتباط او با مادر یا دیگر اعضای خانواده نشده است، اما به‌روشنی نشان‌دهنده آسیب‌های عمیق خانوادگی و فقدان الگویی منسجم در

محیط رشد وی به شمار می‌آید. اظهار متهم مبنی بر اینکه در زمان وقوع جرم تحت تأثیر مصرف قرص بوده و در حالت طبیعی خود قرار نداشته، از حیث روان‌شناختی نشان‌دهنده ضعف در مهارت‌های تنظیم هیجان، گرایش به رفتارهای تکانشی و احتمال وجود آسیب‌های روانی است. مصرف دارو یا مواد بدون نظارت، به‌ویژه در این سن، نشانه‌ای از خلأ حمایتی و درمانی است و می‌تواند به‌عنوان مکانیسمی ناسازگار برای رهایی از فشارهای روانی یا اجتماعی عمل کند. چنین رفتاری از دیدگاه جرم‌شناسی و روان‌شناسی رشد، به‌طور مستقیم با محرومیت‌های آموزشی، مشکلات خانوادگی و نبود فرصت‌های سالم برای تخلیه هیجانات مرتبط است. در واقع فردی که در آستانه ورود به بزرگسالی است، اما فاقد تحصیلات کافی، فرصت شغلی پایدار و محیط خانوادگی حمایتگر است، بیشتر مستعد اقدام به رفتارهایی چون تخریب اموال عمومی خواهد بود؛ رفتاری که هم نوعی اعتراض خاموش به ساختار اجتماعی است و هم تخلیه‌ای هیجانی برای فردی که فرصت‌های مشروع و مثبت کمی در اختیار دارد. از سوی دیگر، رأی دادگاه هرچند از نظر شکلی و قانونی کاملاً منطبق بر مقررات است، اما از منظر جرم‌شناختی و سیاست جنایی، صدور قرار موقوفی تعقیب بدون مداخله‌های تکمیلی می‌تواند در بلندمدت پیامدهایی منفی داشته باشد؛ زیرا هرچند با گذشت شاکی موضوع از نظر قضایی خاتمه یافته، اما مشکلات زیربنایی متهم همچنان باقی است و عدم مداخله در حوزه‌های آموزشی، روان‌شناختی و اجتماعی، زمینه‌ساز تکرار بزه در آینده خواهد بود. به همین دلیل انتظار می‌رود که هم‌زمان با بهره‌گیری از ظرفیت گذشت، دادگاه یا نهادهای حمایتی سازوکاری برای هدایت متهم به سمت آموزش مهارت‌های اجتماعی، مشاوره روان‌شناختی و توانمندسازی شغلی در نظر بگیرند تا از بازتولید شرایط ارتکاب جرم جلوگیری شود. پرونده حاضر نشان می‌دهد که تخریب اموال عمومی توسط جوانان و نوجوانان نه‌تنها محصول یک تصمیم فردی ساده نیست، بلکه نتیجه زنجیره‌ای از محرومیت‌های خانوادگی، تحصیلی، اقتصادی و روانی است. در این میان، قانون‌گذار با تأکید بر کاهش مجازات‌های سنگین و بهره‌گیری از نهاد گذشت، بستر قانونی لازم را برای اجتناب از برچسب‌زنی فراهم کرده است، اما تحقق پیشگیری واقعی و کاهش احتمال تکرار چنین جرائمی در گرو آن است که این تصمیم‌های حقوقی با مداخلات اجتماعی و روان‌شناختی همراه شوند. از این رو رأی صادره اگرچه از لحاظ حقوقی صحیح و منطبق با مقررات است، ولی تنها در صورتی می‌تواند به بازاجتماعی کردن متهم و بازگشت او به مسیر هنجارهای جامعه کمک کند که با اقدامات حمایتی و تربیتی مکمل پیگیری شود.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مسئولیت‌گیری اطفال و نوجوانان در جرم تخریب صرفاً با تکیه بر مواد قانونی و مقررات جزایی قابل تحلیل نیست، بلکه باید آن را به‌مثابه پدیده‌ای چندبعدی در نظر گرفت که ریشه‌های آن در ساختارهای خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی جامعه نهفته است. مطالعه پرونده‌های دادگاه‌های تهران آشکار ساخت که رویه قضایی در قبال نوجوانان عمدتاً بر اصل فردی‌سازی و تناسب تصمیم با شرایط سنی، روانی و محیطی مرتکب استوار است. قضات در بسیاری از موارد کوشیده‌اند با بهره‌گیری از مجازات‌های جایگزین و تدابیر حمایتی، میان جبران زیان بزه‌دیدگان و فراهم‌سازی امکان بازپروری برای نوجوانان تعادل برقرار کنند. این رویکرد نشان‌دهنده فاصله گرفتن سیاست جنایی معاصر از صرف کیفرگرایی و حرکت به سوی عدالت اصلاحی و ترمیمی است؛ رویکردی که می‌کوشد نوجوان را نه به‌عنوان مجرمی خطرناک، بلکه به‌مثابه فردی در معرض آسیب که نیازمند حمایت و هدایت است مورد توجه قرار دهد.

باین حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که محدود شدن پاسخ‌ها به جزای نقدی اندک یا اخطارهای ساده، به دلیل اینکه عملاً تبعات واقعی رفتار را متوجه خود نوجوان نمی‌سازد، نمی‌تواند به‌تنهایی نقش بازدارنده‌ای داشته باشد. چنین تصمیماتی اگر با برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی همراه نباشد، ممکن است حتی به تکرار جرم و شکل‌گیری هویت بزهکارانه بینجامد. از این رو ضرورت دارد که پاسخ‌های کیفری با اقداماتی تکمیلی نظیر مشاوره روان‌شناختی، آموزش مهارت‌های زندگی و کنترل هیجان، مشارکت در برنامه‌های خدمات اجتماعی و حضور در فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی ترکیب شود. چنین تدابیری هم‌جنبه اصلاحی دارند و هم می‌توانند نوجوان را با ارزش‌های فرهنگی جامعه آشنا سازند و پیوند او را با هنجارهای اجتماعی تقویت کنند.

از منظر حقوق فرهنگی، بزهکاری نوجوانان را می‌توان نتیجه ضعف در انتقال مؤثر ارزش‌های فرهنگی و ناکارآمدی برخی نهادهای تربیتی دانست. هنگامی که نوجوانان در خانواده، مدرسه و محیط اجتماعی با محرومیت‌های فرهنگی یا تضاد ارزش‌ها روبه‌رو شوند، رفتارهایی نظیر تخریب می‌تواند به‌صورت اعتراضی خام یا واکنشی هیجانی بروز کند؛ بنابراین توجه به مسئولیت‌گیری اطفال و نوجوانان بدون لحاظ ابعاد فرهنگی آن، تصویری ناقص از مسئله ارائه خواهد داد. حقوق فرهنگی بر این نکته تأکید دارد که نوجوانان باید فرصت

دسترسی برابر به منابع فرهنگی، آموزش مهارت‌های ارتباطی و امکان مشارکت در فعالیت‌های جمعی سالم را داشته باشند. در واقع، پیشگیری از بزهکاری تنها از مسیر تهدید کیفری حاصل نمی‌شود، بلکه تقویت بسترهای فرهنگی و ایجاد حس تعلق به جامعه است که می‌تواند مانع گرایش به رفتارهای تخریبی گردد. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که سیاست جنایی افتراقی در قبال اطفال و نوجوانان زمانی اثربخش خواهد بود که در کنار ابزارهای قانونی، به ابعاد فرهنگی و اجتماعی ارتکاب جرم نیز توجه شود. هماهنگی میان نهادهای قضایی، آموزشی، فرهنگی و خانواده می‌تواند از یک‌سو حقوق بزه‌دیدگان را تأمین کند و از سوی دیگر فرصت‌های واقعی برای اصلاح و بازگشت نوجوانان به جامعه فراهم آورد. این نگرش نه تنها موجب کاهش احتمال تکرار جرم خواهد شد، بلکه با تقویت سرمایه فرهنگی و اجتماعی، امنیت و سلامت عمومی جامعه را نیز ارتقا خواهد داد.

منابع

۱. ایار، علی و افرا، هادی (۱۴۰۱). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و رفتارهای خشونت‌آمیز پسران جوان؛ مورد مطالعه شهر ایلام. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره ۲۱، شماره ۵۷، صص ۵۵-۷۴. https://fasname.msy.gov.ir/article_531.html
۲. اسلامی، افسانه‌سادات؛ غنی‌فر، محمدحسن و آهی، قاسم (۱۴۰۳). اثر بخشی آموزش هوش معنوی بر نندالیسم مدرسه‌ای و پرخاشگری دانش آموزان نوجوان. مجله علوم روانشناختی، دوره ۲۳، شماره ۱۳۷، صص ۱۶۹-۱۸۹. <https://psychologicalscience.ir/article-1-2127-fa.pdf>
۳. بشری، سارا (۱۳۹۴). بزهکاری اطفال و نوجوانان (تأثیر آسیب‌های خانوادگی). قم: انتشارات دارالفکر.
۴. بیات، شیرین و لطفعلی‌زاده، الهه (۱۴۰۲). مختصر جرم‌شناسی. تهران: دادبانان دانا.
۵. بخارایی، احمد و شربتیان، محمدحسن (۱۳۹۴). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل اثرگذار بر رفتارهای نندالیستی (مطالعه موردی: در کلان‌شهر مشهد). پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۲۱-۴۸. https://ssoss.ui.ac.ir/article_17132.html
۶. پارسامهر، مهربان؛ سعیدی مدنی، سیدمحمدحسن و دیوبند، قانژه (۱۳۸۹). رابطه پیوند اجتماعی ایجاد شده توسط خانواده با خشونت میان فردی نوجوانان پسر در شهر یزد. فصلنامه خانواده‌پژوهی، دوره ۶، شماره ۱، صص ۷۱-۸۶. https://jfr.sbu.ac.ir/article_97047_461587db81f84e14055259ae2cfc757.pdf
۷. حضرتی صومعه، زهرا؛ اسدی، حسین و صادقیان، سیدمالک (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی پدیده خشونت در بین جوانان. مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، دوره ۱۲، شماره ۲۱، صص ۴۳-۵۶. https://fasname.msy.gov.ir/article_97.html
۸. خسروی، هدایت؛ صبوری خسروشاهی، حبیب و کفاشی، مجید (۱۴۰۱). تبیین جامعه‌شناختی نندالیسم در شهر خرم‌آباد مورد مطالعه جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال. جامعه‌شناختی سیاسی ایران، دوره ۵، شماره ۵، صص ۱۸۹-۲۰۸. https://jou.spsiran.ir/article_154472.html
۹. سامانیان، مصیب (۱۳۹۰). بررسی رفتارهای نندالیستی جوانان در استان خراسان شمالی، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، دوره ۷، شماره ۲۹، صص ۱-۲۳. https://journals.iau.ir/article_518087_5146707389b1e5936f9c5fa99b2fea6a.pdf

۱۰. صفوی مقدم، سیده مریم و نوغانی، محسن (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر گرایش به رفتار تخریبی (وندالیسم) در بین نوجوانان شهر مشهد. چهارمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، صص ۱-۱۴. [/https://civilica.com/doc/164823](https://civilica.com/doc/164823)
۱۱. صالح، سعید؛ ادهمی، عبدالرضا و کاظمی‌پور، شهلا (۱۴۰۰). نقش رفتارهای اجتماعی و پیامدهای خشونت: مطالعه‌ای کیفی با رویکرد گراند تئوری. تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۱۹، شماره ۲، صص ۲۰۴-۲۱۱. <https://rbs.mui.ac.ir/article-1-1079-fa.pdf>
۱۲. فرید، محمدمامین (۱۳۹۴). تخریب اموال عمومی از دیدگاه کیفری در نظام حقوقی ایران و انگلستان. تهران: خرسندی.
۱۳. کردکرمی، امیر و روشنایی، علی (۱۳۹۵). مطالعه گونه‌شناسی و شیوع‌شناسی رفتارهای وندالیستی (مورد مطالعه: دانش آموزان دوره متوسطه ناحیه یک همدان). دوفصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، دوره ۵، شماره ۹، صص ۵۳-۷۴. https://csr.basu.ac.ir/article_1807_e0d426d36fc2309c34a58fdf4247cd30.pdf?lang=en
۱۴. منجم، علیرضا؛ رشوند، فرهاد؛ موبدی، احمد و رجبی، فاطمه (۱۴۰۲). مروری بر وندالیسم شهری با رویکرد مدیریت شهری. فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، دوره ۷، شماره ۸۸، صص ۱۳۳۷-۱۳۴۶. <https://www.majournal.ir/index.php/ma/article/view/1954>
۱۵. موسوی، سید یعقوب؛ شیری پور، مهدی؛ رفیع، ابوالفضل و موسوی، سید رفیع (۱۳۹۳). بررسی عوامل وندالیسم در فضاهای عمومی شهر: نمونه موردی منطقه ده شهر تبریز. ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی، صص ۱-۱۳. <https://civilica.com/doc/349551/>
۱۶. میر محمد صادقی، حسین (۱۴۰۱). جرائم علیه اموال و مالکیت. تهران: میزان.
۱۷. نظری، زهرا (۱۴۰۲). تحلیل آثار حقوقی جرم‌انگاری تخریب اموال. مجله پژوهش و مطالعات علوم انسانی، دوره ۵، شماره ۵۲، صص ۱-۱۲. <https://joisas.ir/downloadfilepdf/1407566667685711cf9527e>
۱۸. نجفی‌توانا، علی (۱۳۹۸). نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان. تهران: انتشارات میزان.
۱۹. نیازی، محسن، سلیمان‌نژاد، محمد و سلیمان‌نژاد، طاهره (۱۴۰۰). عاملان جامعه‌پذیری و گرایش به رفتارهای پرخطر با تأکید بر نظریه یادگیری اجتماعی. پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، دوره ۸، شماره ۲۷، صص ۶۵-۹۵. https://rjsw.atu.ac.ir/article_13957_608a34e5ed13cddaebf1c3010226d6bf.pdf

۲۰. نیازی، محسن، آقابرگی زاده، شیوا، حسینی زاده، سیدسعید و سخایی، ایوب (۱۳۹۹). فراتحلیل عوامل مؤثر بر وندالیسم در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۶۱، صص ۷۵-۱۰۷.

<https://www.sid.ir/paper/955895/fa>

۲۱. نواح، عبدالرضا و کوپایی، محمدباقر (۱۳۹۱). عوامل اجتماعی و شخصیتی مؤثر بر گرایش به وندالیسم (خرابکاری) در بین دانش آموزان دبیرستانی شهر اهواز. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۳۱-۱۴۳.

<https://www.magiran.com/p1532479>

۲۲. هوشیاری، داریوش؛ اسماعیلی، مهدی و کلانتری درونکلا، کیومرث (۱۴۰۰ الف). تحلیلی بر کنترل کیفی در مقابله با وندالیسم. پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۲۸۹-۳۱۴.

<https://www.sid.ir/paper/1166239/fa>

۲۳. هوشیاری، داریوش؛ اسماعیلی، مهدی و کلانتری درونکلا، کیومرث (۱۴۰۰ ب). تحلیل جرم شناختی وندالیسم (رویکردی جامعه‌شناسی سیاسی با محوریت مطالعه موردی ایران). فصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره ۴، شماره ۱۵، صص ۲۸۱-۲۹۳.

https://jou.spsiran.ir/article_162891_d0f2c44dbbfcf784d22756ff1abb348a.pdf

۲۴. هاشم‌پور، الهه (۱۴۰۳). وندالیسم؛ خرابکاری شهری. تهران: آرون.

۲۵. یعقوبی، محمدعلی و محمدی قنات‌غستانی، حانیه (۱۴۰۳). عوامل مؤثر بر وندالیسم کودکان و نوجوانان: از منظر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، جرم‌شناسی و ارائه راهکارهای پیشگیری از آن در حقوق کیفری ایران. تهران: سنجش و دانش.